

حقوق متقابل همسران با تأکید بر سیره علوی

طاهره سترگ^۱؛ معصومه رضائیان حق^۲

چکیده

مسأله حق و ادای حقوق در اسلام از جمله مباحثی است که دارای اهمیت خاصی است. هر جا تأکید خاص در دین وجود دارد، سفارش و تبیین ائمه دین در آن زمینه قابل توجه است. لذا در این میان با توجه به محور نوشتار حاضر به بررسی معنای حق و حقوق متقابل در سیره علوی می‌پردازیم که بسیار پررنگ است. در بیانات و شیوه و سبک زندگی حضرت (ع) رابطه حق و تکلیف، رابطه‌ای محکم و غیرقابل تفکیک است و هر جا حقی متصور است و در مقابلش تکلیف و تعهدی قرار دارد که از ملازمت آنها ناشی می‌شود. از اینرو نوشتار حاضر با بیان مفهوم‌شناسی حق و حقوق متقابل به بررسی کلی حقوق متقابل همسران در آیینه سیره علوی و کلام امیرالمومنین (ع) می‌پردازد.

کلیدواژگان: سیره علوی، حقوق متقابل، حق همسران، نهج البلاغه

۱. کارشناس ارشد فقه و حقوق دانشگاه یادگار امام و سطح سه مطالعات اسلامی زنان تربیت مدرس حوزه علمیه صدیقه کبری (س) قم، مدرس و محقق حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)؛ taherehset@yahoo.com

۲. سطح سه رشته فقه و اصول حوزه علمیه قاسم بن الحسن تهران، مدرس و محقق حوزه و دانشگاه؛ rezaian1341@yahoo.com

مقدمه

از آنجایی که مسأله حق و ادای حقوق در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است، باید گفت که این مهم در قرآن و احادیث و روایت به تأکید مورد اشاره و تبیین قرار گرفته است. در این میان با توجه به محور بحث به بررسی این موضوع در سیره علوی میپردازیم. در نهج البلاغه به عنوان آیین عملی فرمایشات امام علی (ع)، حقوق متقابل به عنوان جعل الهی برای انسانها اثبات شده و سعی شده با توجه به جایگاه مختلف افراد در جامعه و تقابلشان با یکدیگر مانند زمامدار و مردم، والدین و فرزندان، همسران با یکدیگر، دوستان و برادران دینی و همسایگان، که هر یک دارای حقوق و تکالیف متفاوت نسبت به هم هستند، به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد. از این میان، حقوق متقابل همسران که محور این نوشتار را تشکیل می‌دهد، در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مفهوم‌شناسی حق

حق مفهوم وسیعی دارد. در لغت ریشه حق به معنی استحکام و استواری، موافقت و مطابقت، درستی و ضد باطل است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۹/۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۴۶/۲؛ ابن الاثیر الجزری، ۱۳۶۷: ۴۱۳/۲).

در اصطلاح تعاریف متعددی از حق شده است؛ از جمله اینکه حق عبارت است از توانایی و سلطه شخصی بر خود یا دیگری یا یک شیء به گونه‌ای که نظام حقوقی این تسلط را برای او به رسمیت می‌شناسد یا به او عطا می‌کند و دیگران را به احترام آن و دولت را به حمایت از آن ملزم می‌سازد (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۸: ۱۳/۶۲۸).

در بسیاری از روایات و احادیث واژه حق بکار رفته است که بر معنای حقوقی دلالت دارد؛ مانند حق خدا بر انسان، حق اعضا و جوارح و حقوق متقابل انسانها. در روایات و تعالیم اسلامی منشأ تمامی حقوق، حق خدا بر بندگان است؛ چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَلَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ»؛ خداوند حق خود را بر بندگان این قرار داده که اطاعتش کنند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

اما حق در نهج البلاغه در پنج معنای اصلی دیده می‌شود و در معانی دیگری که به این پنج معنا بازگشت می‌کنند. دو معنای نخست، معنای حقیقی و سه معنای دیگر، معنای اعتباری است. این پنج معنا عبارتند از:

حق به معنای واقعیت عینی و خارجی؛ مانند مرگ که امری واقعی است و از این رو حق است؛ «فَإِنَّهُ وَاللَّهِ الْجِدُّ لَا اللَّعِبُ وَالْحَقُّ لَا الْكُذْبُ وَمَا هُوَ إِلَّا الْمَوْتُ أَسْمَعَ دَاعِيَهُ وَأَعْجَلَ حَادِيَهُ»؛ به خدا سوگند این را که می‌گوییم یک حقیقت جدی است نه شوخی، واقعیت است نه دروغ مرگ را می‌گوییم که بانک خود را بگوش (همه زندگان) رسانده و به سرعت همه را میراند (همان، خطبه ۱۳۲).

حق به معنای حقیقت؛ یعنی به ادراک مطابق با واقع که حقیقت است حق گفته می‌شود؛ مثلاً ادراک این که مرگ وجود دارد و اعتراف بدان یک حقیقت است، از این رو حق است؛ «وَوَتَّعَ جِنَازَةً فَسَمِعَ رَجُلًا يَضْحَكُ فَقَالَ كَانَ الْمَوْتُ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا كُنْتُ وَكَانَ الْحَقُّ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا وَجَبَ»؛ امام (ع) در تشییع جنازه‌ای شرکت کرده بود، صدای خنده مردی را شنید فرمود: گوئی مرگ در دنیا بر غیر ما نوشته شده و گوئی حق بر غیر ما واجب گشته است (همان، حکمت ۱۲۲).

حق به معنای اجازه و رخصت و اختیار؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود آدمیان حق پرسش دارند، معنایش این است که رخصت دارند و در استفاده یا عدم استفاده از این حق مخیرند و این امر برای آنان مجاز است؛ چنانکه حضرت (ع) در پاسخ به پرسش یکی از یارانشان فرمود: «لَكَ ... حَقُّ الْمَسْأَلَةِ»؛ برای تو ... حق پرسش محترم است (همان، کلام ۱۶۲).

حق به معنای استحقاق و شایستگی؛ یعنی سزاواری شخص نسبت به چیزی یا سزاواری امری نسبت به امر دیگر مانند حق تقدیر و تنبیه و پاداش و مجازات. در این معنا امیرمؤمنان (ع) به یکی از کارگزاران خود چنین نوشته است: «فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً»؛ بنابر این امور مردم از نظر حقوق باید نزد تو مساوی باشد (همان، نامه ۵۹).

حق به معنای انتظار دوطرفه و مطالبه؛ یعنی کسی از دیگری مطالبه و انتظاری داشته باشد و به طور متقابل این امر برای آن دیگری هم لحاظ شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

مانند حق مردمان بر زمامداران و حق زمامداران بر مردمان چنانکه در کلام امیرمؤمنان (ع) آمده است: «حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) بزرگترین حقی را که فرض شده است حق والی و زمامدار بر رعیت، و حق رعیت بر والی و حاکم است. این فریضه‌ای است که خداوند برای هر یک از زمامداران و رعایا بر دیگری قرار داده است. از آنجایی که واژه حق معانی مختلفی دارد، دریافت معنای صحیح حق در عبارت و محور مورد بحث امری حائز اهمیت است تا به دریافت مطلوب معنای حق در آن خصوص بیانجامد.

حقوق متقابل و لوازم آن

از آنجا که اسلام شریعتی جامع است، در زمینه‌های مختلف به تبیین قواعد حاکم بر زندگی انسان پرداخته است؛ از قبیل چگونگی رابطه انسان با خود، رابطه انسان با خدا و رابطه انسان با جامعه و ... از این رو بحث حق و جایگاه حقوق متقابل اهمیت ویژه‌ای دارد. گاهی چنین تصور می‌شود که حق آن است که باید از دیگری مطالبه شود و در واقع امری یک طرفه است. در حالی که آنچه خداوند برای بشر قرار داده است خلاف این تصور است؛ چنانکه امیرمؤمنان (ع) این مسأله را چنین تبیین می‌کنند: «فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ لِعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ» (همانجا). بنابراین دایره حق در توصیف و در مرحله سخن از هر چیز وسیعتر است ولی به هنگام عمل کم وسعت‌ترین دایره‌هاست. حق به نفع کسی جریان نمی‌یابد جز این که در مقابل برایش «مسئولیتی» به وجود می‌آورد و حق بر زیان کسی جاری نمی‌شود جز این که به همان اندازه به سود او جریان می‌یابد. اگر قرار بود حق به سود کسی جریان یابد و مسئولیت برایش ایجاد نکند، این مخصوص خداوند بود، نه مخلوقش و این بواسطه قدرتش بر بندگان و عدالتش در تمام چیزهایی که فرمانش بر آنها جریان دارد، خواهد بود.

با توجه به کلام حضرت، دریافت می‌شود انسان با واژه حق آشنا بوده و هر کسی از حق دم می‌زند، اما زمان عمل برای ادای حقوق دیگران سخت می‌گیرد و گویی حق امری یک طرفه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۳۵/۸). حق در معنای طلب یک طرفه نیست و اگر کسی بر دیگری حقی پیدا کند، دیگری نیز در قبال او وظیفه‌ای خواهد داشت و هر جا حقی در نظر گرفته شود در برابر آن تکلیفی نیز هست.

در نگاه حضرت امیر(ع) پاسداشت حقوق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا جعل الهی است و خداوند آن را بگونه‌ای قرار داده که با پدید آمدن یک حق، حق دیگری به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، هر وظیفه‌ای، مسؤولیتی را نیز می‌طلبد. امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقًا افْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ فَجَعَلَهَا تَكَافُؤًا فِي وُجُوهِهَا وَ يُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَ لَا يُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). سپس خداوند از حقوقی که قرار داده حق بعضی از مردم را بر بعضی دیگر است و آن را از هر نظر برای افراد مساوی قرار داده است. بعضی از این حقوق بعضی دیگر را به دنبال دارد و بعضی از این حقوق حتماً در پی حق دیگری است. قابل توجه است که خداوند بعضی حقوق را این گونه قرار داده است که بعضی از آنها واجب نمی‌شود مگر به وسیله بعضی دیگر یعنی حقوق متقابل. این مسأله بیان‌گر اهمیت ویژه حقوق متقابل است.

برای تحقق هر امر، لوازمی لازم است که در سایه آن، امر مورد نظر، محقق می‌شود. تحقق حقوق متقابل نیز به لوازمی نیاز دارد که از آن جمله می‌توان به پایبندی به حق، اهتمام و یاری خداوند و ... اشاره کرد. از این رو از جمله لوازم حقوق متقابل با توجه به کلام حضرت(ع) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که در صورت عدم توجه به آنها رعایت کامل حقوق متقابل محقق نخواهد شد: اهتمام و توجه خاص به امر مورد نظر، طلب یاری از خداوند، آماده کردن نفس برای التزام به حق، ملزم کردن خود به صبر در برابر امور. باید توجه داشت آنچه در این عبارت بیان شده، مهمترین لوازم است و لوازم دیگری از قبیل انتقادپذیری، هم‌سوئی قول و فعل، پرهیز از دورویی و فریب نیز جهت ادای حق دیگران و عمل به وظیفه لازم است.

حقوق متقابل همسران

از مجموع آیات، احادیث و روایات چنین برمی آید که صاحبان حق متعدّدند و از آن جمله‌اند: والدین و فرزندان، همسران، همسایه‌ها، زمامداران و... مهمترین حقوق همسران و زوجین با تأکید بر سیره و کلام امیرالمؤمنین (ع) که در برگیرنده حقوق دیگر نیز هستند، عبارتند از:

۱. تسکین و آرامش و امنیت

قرآن کریم به صراحت در آیات متعدّد پس از آفرینش زوج انسان و طرح مسأله، از ارتباط زوجین و ایجاد سکینه، آرامش، قرار، مودت و محبت یاد می‌کند. گویا اگر زوج انسان آفریده نمی‌شد آدمی مفهوم سکینه، آرامش و قرار را درک نمی‌کرد و شأن و مقام محبت تحقق پیدا نکرده و مجسم و متصور نمی‌شد.^۱

هر چند در وجود هر انسانی، محبت به هم‌نوع، جزو نهاد اوست و نگهداشتن این خصلت، به انسانیت انسان برمی‌گردد و به او کرامت می‌بخشد، اما در آیه شریفه ۲۱ سوره روم، اینگونه آمده است: از نشانه‌های لطف و عنایت الهی به بندگانش، این است که از جنس شما، همسرانی قرار داد تا بوسیله آنها، به سکینه و آرامش برسید و بین شما نیز مودت و محبت و رحمت برقرار کرد. البته این نوع مودت و رحمت، فراتر از چیزی است که در نهاد بشر قرار داده شده است. پس یک نوع آرامش و محبت و دوستی به ذات علقه زناشویی بر می‌گردد که زن مایه آرامش مرد و مرد مایه آرامش زن است.

در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء، فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (ع) آورده می‌شود که می‌فرمایند: و اما حق همسرت که با پیوند زناشویی زیر دست تو شده است - این است که بدانی خدای عزوجل او را مایه آرامش و راحتی و همدم و نگهدار تو ساخته و نیز باید هر کدامتان به شکرانه وجود همسرش خدا را شکر گوید. بداند که این نعمتی از جانب خدا برای اوست و واجب است که با این نعمت خدا (یعنی همسرش)

۱. «و من آيته ان خلق لكم من انفسكم ازوجا لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودة و رحمه ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون؛ و از نشانه های پروردگار آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی قرار داد تا در کنار او آرامش و سکینه پیدا کنید و بین شما مودت و رحمت به وجود آورد» (روم/۲۱).

خوش رفتاری کند و او را احترام دارد و با او بسازد و ملایمت کند؛ هر چند که حق تو بر آن زن سنگین تر و اطاعتت بر او لازم تر است در هر چه بخواهی یا نخواهی. تا آنجا که گناه نباشد و به راستی با وی مهربانی کردن و انس گرفتن حق اوست. و در صورتی محل آرامش خواهد بود که کامجویی و لذتی که ناچار به انجام آن است رعایت شود و این حق بسیار بزرگی است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۱۱ / ۳۱۸).

امام (ع) در نهج البلاغه امیرالمؤمنین در سفارش به فرزندشان امام حسن (ع) می‌فرماید: «و لا تملك المرأة من أمرها ما جاز نفسها فإن المرأة ريحانة وليست بقهرمانه ولا تعد بكرامتها نفسها ولا تطعمها في أن تشفع لغيرها و اياك و التغير في غير موضع غيره، فإن ذلك يدعو الصحيحه إلى السقم و الرينة إلى الريب» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ کاری را که در توانمندی زن نیست بر او تحمیل مکن، زنان چون گل بهاری هستند نه پهلوان سخت‌کوش و پرتوان؛ مبادا بیش از حد به او لطف و مرحمت داشته باشی و مبادا او را به طمع اندازی. بر این اساس اسلام کارهای دشوار را از عهده زنان خارج کرده و در مقابل کارهای کلیدیتری را چون تربیت و تعلیم، تأمین سکونت و امنیت خانواده را به او واگذار کرده است تا در رسالت مربیگری، مادری و همسری به خوبی نقش خود را ایفا نماید.

۲. احترام و محبت

احترام و تکریم نیاز فطری هر انسانی است. احترام متقابل همسران یکی از اصولی است که در آیات و روایات بسیار مورد عنایت قرار گرفته است؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «من اتخذ زوجة فليكرمها» (نوری طبرسی، ۱۴۱۱ق: ۱ / ۴۱۲، حدیث ۱۰۲۳)؛ اگر کسی همسری را انتخاب کرد او را گرمی بدارد. همچنین می‌فرمایند: وظیفه زن است تا در خانه، به استقبال شوهر برود و به وی خوشامد بگوید (همان: ۳ / ۵۵۱). از سویی در سفارش به احترام زنان می‌فرماید: بر شوهر جایز نیست که به زنش اف بگوید (همان: ۱۴ / ۱۵۲). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «ملعونه ملعونه امرأه تؤذي زوجها و تغمه و سعیده سعیده امرأه تكرم زوجها و لا تؤذيه و تطيعه في جميع احواله»؛ نفرین خدا نفرین خدا بر زنی باد که شوهرش را اذیت و غمگین کند! و چه با سعادت است زنی که شوهرش را

احترام بگذارد و او را آزار نرساند و در تمامی حالات از وی اطاعت کند (مجلسی، ۱۴۱۳ق: ۲۵۲/۱۰۳؛ حر عاملی، بی تا: ۱۴/۱۵۵) و یا می فرماید: «من اتخذ امراه فلیکرهما»؛ هر کس زن گرفت باید او را گرمی و محترم بشمرد (همانجا). امیرالمومنین (ع) می فرماید: «بپرهیز از غیرت نشان دادن بی جا که درستکار را به بیماردلی و پاکدامن را به بدگمانی رساند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

از رسول گرمی (ص) روایت شده است که فرمودند: «اخبرنی اخی جبرئیل ولم یزل یوصینی بالنساء حتی ظننت ان لا یحل لزوجها ان یقول لها اف یا محمد اتقوالله عز وجل فی النساء فانهن عوان بین ایدیکم اخذ تموهن علی امانات الله عز وجل ما استحللتم من فروجهن بکلمه الله و کتابه ممن فریضه و سنته و شریعت محمد بن عبدالله ص فان لهن علیکم حقا واجبا» (نوری طبرسی، ۱۴۱۱ق: ۲۵۲/۱۴، حدیث ۱۶۶۲۷).

برادرم جبرئیل به من خبر داد و درباره زن ها آنقدر مرا توصیه کرد که من تصور کردم حتی اف گفتن به آنها جایز نیست. و بعد جبرئیل گفت: یا محمد! به مردم بگو مراقب باشید که به همسران و زنانتان ستم نکنید؛ ایشان در زندگی، یار و کمک کار شما هستند. شما بر اساس امانت الهی، آنها را به خانه آورده اید؛ یعنی نزد شما ودیعه الهی اند. محرمیتی که میان شما و همسرانتان حاصل شده، با کلمات مقدس الله، کتاب خدا و سنت پیامبر خاتم (ص) حاصل شده و به راحتی به دست نیامده است. آنها بر شما حقوقی پیدا کرده اند (بثربی، ۱۳۸۵: ۲/۱۶۵).

همچنین امام سجاد (ع) می فرماید: «فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرٌ وَ تَطْعَمَهَا وَ تَكْسُوها فَإِذَا جَهَلَتْ عَفْوَتْ عَنْهُ»؛ همانا حق همسرت بر تو این است که با او مهربان باشی، چون او اسیر دست توست و خوراک و پوشاک او را مهیا نمایی و اگر از روی نادانی، لغزشی انجام داد، از او گذشت نموده و عفو نمایی.

حضرت علی (ع) در حدیثی نقل می کنند: «به خدا سوگند تا فاطمه زنده بود، کاری نکردم که او را به خشم درآورد و بر هیچ کاری او را مجبور ننمودم و او نیز هیچ گاه مرا به خشم نیاورد و در هیچ کاری نافرمانی مرا نکرد و به راستی هر وقت به او نظر کردم، غم و

اندوه‌هایم برطرف شد» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵: ۷۰). در جایی دیگر می‌فرمایند: «وَأَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهُنَّ يُحْسِنَنَّ الْفَعَالَ» (حر عاملی، بی‌تا: ۱۴ / ۱۲۹) با زنان خویش خوش گفتار و نرم زبان باشید، آنان نیز کردار خویش را خوب و زیبا نمایند.

۳. همکاری و تعاون

شرع مقدس مرد را تشویق به همکاری و کمک به همسر می‌کند، با این ملاحظه که همسر، هیچ تکلیفی برای انجام خدمت در خانه ندارد؛ یعنی زن موظف نیست که خدمات خانه را انجام دهد (یثربی، ۱۳۸۵: ۱۸۱). خدمت شوهر به زن و زن به شوهر، از عبادات مهم و دارای پاداش بسیار است. بعلاوه، لازم است که زن و شوهر کارهای خانه و بیرون خانه را تقسیم کنند و گاهی در موارد لازم به همدیگر کمک کنند، ولی کار اصلی هر کدام باید مشخص باشد.

در روایتی نقل شده است که روزی رسول اکرم (ص) وارد خانه فاطمه (س) شدند، دیدند امیرالمومنین (ع) کنار فاطمه زهرا (س) نشسته و مشغول پاک کردن عدس است، حضرت فرمودند: «یا اباالحسن! قلت: لبيك يا رسول الله! قال: اسمع مني و ما اقول الا من امر ربي، ما من رجل يعين امراته في بيتها الا كان له بكل شعرة عل بدینه عباده سنه، صيام نهارها و قيام ليلها، و أعطاه الله من الثواب مثل ما أعطاه الصابرين داود النبي و يعقوب و عيسى (ع)» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۳۲/۱۰۱، حدیث ۱).

«ای ابا الحسن! امیرالمومنین (ع) جواب فرمودند: لبيك اي رسول خدا! پیامبر (ص) فرمودند: این سخن را از من بشنو که من چیزی جز فرمایش وحی به زبان جاری نمی‌کنم: هر مردی که در خانه همسرش را کمک کند، خداوند به عدد هر موئی که در بدن اوست برایش عبادت سالی را منظور می‌کند که همه روزهایش را روزه و همه شب‌هایش را بیدار بوده و به درگاه خداوند راز و نیاز کرده است و علاوه بر آن ثواب، پاداشی را که به صابرين همانند حضرت داوود، یعقوب و عیسی (ع) عنایت می‌کند به او می‌بخشد.» (یثربی، ۱۳۸۵: ۱۷۹ / ۲).

امام صادق (ع) با اشاره به سیره امام علی (ع) می‌فرمایند: «كان امير المؤمنين عليه السلام يَحْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْسَنُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَطْحَنُ وَ تَخْزِي» (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ۴۳/

(۱۵۱)؛ «امیرالمؤمنان علی علیه السلام هیزم فراهم می کرد و خانه را جارو می نمود و آب می کشید و فاطمه (س) گندم و جو را با آسیای دستی آرد می کرد، سپس خمیر می نمود و نان می پخت». حضرت زهرا (س) وقتی به خانه امام علی (ع) رفتند، در مورد تقسیم کار سخن به میان آوردند، سپس به سوی رسول خدا (ص) آمدند تا آن حضرت بین ایشان داوری کند و هر کدام را برای کارهای لازم موظف نماید (شرفخانی، ۱۳۷۹، ۲۴). پیامبر (ص) چنین قضاوت کرد که کارهای داخل خانه را حضرت زهرا (س) به عهده گیرند و کارهای بیرون خانه، به عهده حضرت علی (ع) باشد (همانجا). هر دو از این قضاوت خشنود شدند اما ناگفته نماند که گاهی که به خاطر مهمان یا امور دیگر کارهای داخل خانه زیاد می شد، حضرت علی (ع) به حضرت زهرا (س) کمک می نمودند.

۴. آراستگی و جمال ظاهر

یکی از اصول مهم در زندگی حضرت علی (ع) علاوه بر آراستگی باطن و روح و روان، زیبایی و پاکیزگی ظاهر بود و به طور جدی به عنوان یک سنت اصیل، آراستگی ظاهر خود را رعایت می نمودند و به مواردی چون مسواک زدن، رنگ مو، معطر بودن، شانه زدن موی سر و صورت، کوتاه کردن سبیل و گذاشتن ریش و... اهمیت می دادند. (همان، ۷۸) قرآن به زن و شوهر سفارش کرده که خود را برای یکدیگر بیارایند و ظاهر خود را جذاب و دوست داشتنی نمایند؛ چرا که که تمایل آدمی به زیبایی و جمال، یکی از خواهش های فطری بشر است که با سرشت او آمیخته شده است (همان، ۷۹). امام صادق (ع) نیز در توصیه به زنان در آراسته بودن مقابل زوج خود می فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْثَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَلَوْ أَنْ تُعَلَّقَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ وَلَا يَنْبَغِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَلَوْ أَنْ تَمْسَهَا بِالْحِنَاءِ مَسًّا وَإِنْ كَانَتْ مَسْنَةً؛ برای زن سزاوار و پسندیده نیست که به خود نرسد (و حتی المقدور باید خود را برای همسرش بیاراید) هر چند این آراستگی در حد به گردن آویختن گردنبندی باشد و نیز سزاوار نیست برای زن که خضاب کردن دست را ترک کند و باید حداقل آنها را با حنا خضاب نماید، هر چند مسن هم باشد» (بنشاسته، ۱۳۸۰: ۲۴).

همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اغسلوا ثيابكم و خذوا من شعوركم و استاكوا و تزيّنوا و تنظّفوا فإنّ بنى إسرائيل لم يكونوا يفعلون ذلك فزنت نساؤهم؛ لباسهای خود را تمیز کنید، موهای خود را کم کنید، مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید. زیرا یهودیان چنین نکردند و زنان شان زناکار شدند» (پاینده، ۱۳۶۳: ۷۲)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «لا غنى بالزوج عن ثلاثه أشياء فيما بينه وبين زوجته و هي الموافقة ليجتلب بها موافقتها و محبتها و هواها و حسن خلقه معها و استماله قلبها بالهيئة الحسنّة في عينها و توسعه عليها؛ مرد در زندگی زناشویی از سه چیز ناگزیر است: موافقت با همسر برای جلب توافق و محبت و علاقه او؛ جلب توجه او با آراستگی ظاهر و گشاده‌دستی؛ اخلاق نیکو» (بنشاسته، ۱۳۸۱، ۴۱).

حضرت امیرالمؤمنین (ع) صفاتی را در مورد مردان عیب و نقص معرفی کرده‌اند که برای زنان کمال است و آن‌ها عبارتند است از: «الزّهو و الجبن و البخل؛ خودخواهی، ترس و بخل». زیرا اگر زن در برابر نامحرمان، خودخواه و متکبر باشد به کار زشت تن ندهد و اگر نسبت به غیر شوهر و فرزندانش بخیل باشد، مال خودش و شوهرش را حفظ می‌کند و اگر ترسو باشد، چون فسادى بر او عرضه شود از آن وحشت می‌کند و می‌ترسد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۰۵/۹). در کنار این صفات، به آراستگی زن برای همسر خود و پاکیزگی و حسن جمال مرد برای زن خود تأکید داشته‌اند.

مولا علی (ع) در بیانات نهج البلاغه از تمایل خودآرایی و تجمل‌دوستی جوانان در حدود مصلحت حمایت می‌نماید و حق تأمین نیازهای عاطفی و روانی زنان را در کنار نیازهای ظاهری و مادی ایشان و برخورداری توصیه می‌نماید.

نتیجه گیری

در اسلام و به طور خاص در بیانات حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، حقوق و تکالیف از اهمیت بسیاری برخوردارند. شناخت حقوق و وظایف در روابط افراد بسیار تأثیرگذار است و آنچه در نهج البلاغه دیده می شود عدم وجود حق یکطرفه مگر برای خداوند است و تقابل حقوق در موارد دیگر بین افراد است؛ از جمله مهمترین حقوق متقابل می توان به حق زمامدار و مردم، والدین و فرزندان، همسران، برادران و دوستان دینی، همسایگان اشاره کرد. لذا باید با توجه به رهنمودهای حضرت علی (ع) جایگاه خود را در میزان رعایت حقوق دریابیم و کاستی ها را شناخته، با فراهم کردن لوازم آن، به رفع آن برآییم.

فهرست منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشرقین، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۷، ۱۳۷۹.
۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، تهران: انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۱.
۳. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان، چ ۱۸، ۱۳۶۳.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، انتشارات نیستان، ۱۳۸۵.
۵. ابن الاثیر الجزری، ابوالسعادات مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، محقق طناحی، محمود محمد، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق میردامادی، جمال الدین، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر حداد عادل، غلامعلی، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۸.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات دریا، چ ۱۳، ۱۳۸۹.

۹. ----- ، تفسیر موضوعی، چاپ بیستم، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق داودی، صفوان عدنان، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۱ق.
۱۱. الطبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، *مجمع البیان*، ترجمه و تحقیق علی کرمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۲. الشریف الرضی، ابوالحسن محمد بن الحسین الموسوی، *نهج البلاغه*، ضبط نصه و ابتکر فهارسه العلمیه الدكتور صبحی صالح، قم: موسسه دار الهجرة، بی تا.
۱۳. المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار الجامع لعلوم الائمه الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، *پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام*، قم: مؤسسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۶.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ج ۹، ۱۳۸۴.
۱۶. نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت: آل البيت علیهم السلام الاحیا التراث، ج ۳، ۱۴۱۱ق.

